

هنر و صنعت قالیبافی

تاریخچه یک بررسی

چندسال پیش سازمان برنامه طرح بررسی همه‌جانبه صنعت فرش ایران را به مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران محول کرد و گروه جامعه‌شناسی مؤسسه اجرای آن را به عهده گرفت. در مرحله اول این بررسی کوشش شد تا از طریق مطالعه بازارهای محلی و با کمک مطلعان محل، اولاً، فهرست دهات و شهرهایی که قالیبافی دارند و حدود واقعی انتشار قالیبافی در ایران معین شود، ثانیاً، اطلاعاتی دربارهٔ هر یک از نقاط و مناطق قالیبافی به دست آید تا بتوان، بر مبنای آنها، برخی از برآوردهای نخستین را به عمل آورد، و نیز برحسب ضوابط کمی و کیفی روستاها و شهرهای قالیباف را طبقه‌بندی کرد.^۱ از بررسی‌های مرحله اول نتایج مهمی حاصل شد از جمله:

- (۱) عمومیت صنعت فرش در ایران شگفت‌انگیز است و دست کم در یازده هزار نقطه از نقاط روستایی و شهری کشور قالیبافی رواج دارد.
- (۲) پیش از آغاز بررسی کم‌وبیش معلوم بود که انواع قالی (کاشانی، کرمانی، جوشقانی، نایینی، افشار، بلوچ، و مانند اینها) در حوزه‌های معین یافته می‌شود، اما با بررسی‌های مرحله اول مشخص شد که قطب‌های تولید و توزیع قالی وجود دارد، که هر یک از آنها بر منطقه وسیعی مرکب از صدها نقطه قالیبافی نظارت می‌کنند. این نظارت از راه قسمی سلسله مراتب منطقه‌ای انجام می‌گیرد بدین معنا که یک بازار بزرگ یا قطب منطقه‌ای از طریق واسطه‌ها و بازارهای محلی تابع خود، تولید قالی در روستاها و شهرهای منطقه را در اختیار دارد.
- (۳) کارگاه‌های قالی بردو نوعند: الف) متمرکز و کارخانه‌وار؛ ب) متفرق و خانگی:

۱. ر. ک. جزوه اول «گزارش‌های بررسی صنعت فرش در ایران»، مؤسسه مطالعات و تحقیقات

اجتماعی، فروردین ۱۳۴۵.

نوع نخست بیشتر در شهرها (در آذربایجان و خراسان) و گاهی هم در مناطق روستایی (در کرمان) دیده می‌شود، و نوع دوم در همه جا عمومیت دارد.

ع) در میان نیروی انسانی عظیم قالیباف (قریب ۷۰۰ نفر) نوعی سلسله مراتب شغلی و تخصصی وجود دارد و اجرت یا دستمزد هر گروه متناسب با جای آن در سلسله مراتب است. از اینرو، نوعی قشر بندی اجتماعی-حرفه‌ای در صنعت فرش می‌توان یافت

ه) با وجود تفاوت‌های منطقه‌ای در همه نقاط قالیبافی گرایش‌های کلی مشاهده می‌شود، به نحوی که تولید قالی را می‌توان در دو نوع کلی طبقه‌بندی کرد:

الف) شهری؛ ب) روستایی و ایلی.

در مرحله دوم بر مبنای نتایج به دست آمده از بررسی‌های مرحله اول، پرسشنامه‌های مفصلتر و دقیقتری در دو صورت جداگانه تنظیم شد. یکی پرسشنامه کارگاه برای سنجش میزان تولید، نیروی انسانی، تعداد و تقسیمات آن بر حسب جنس، سن، تخصص و سابقه کار و مانند اینها؛ و نیز دستمزدها و شیوه‌های پرداخت دستمزد، قیمت مواد اولیه به تفکیک اقلام، و قیمت تمام شده قالی هنگام خروج از کارگاه، انواع قالیها، و مسایل دیگر، و دیگری پرسشنامه ده برای جمع‌آوری همین اطلاعات درباره ده و شناسایی منطقه از راه شناخت روستاهایی که نوع فعالیت تولیدی آنها در زمینه قالی در حقیقت می‌توانست معرف کامل فعالیت مناطق مجاورشان باشد.

این بررسی دو مرحله‌ای در سراسر ایران، حتی در جنوبیترین مناطق پراکنده کشور مانند ایرانشهر، نواحی اطراف میناب، و بندرعباس، کم‌وبیش متناسب با اهمیت قالیبافی، امکانات تحقیق و شرایط محلی هر منطقه انجام گرفت.

از نتایج بررسی صنعت فرش در ایران تا کنون چند جزوه به صورت گزارش‌های منطقه‌ای منتشر شده است^۱، به شرح زیر:

جزوه اول: «منطقه قالیبافی کاشان»، اسفند ۱۳۴۴ - فروردین ۱۳۴۵

جزوه دوم: «منطقه قالیبافی همدان»، بهرام ۱۳۴۶

جزوه سوم: «منطقه قالیبافی کرمان»، بهمن‌ماه ۱۳۴۶

دو گزارش منطقه‌ای دیگر نیز درباره «مناطق قالیبافی آذربایجان و خراسان» در حال انتشار است. مطالعات مربوط به نتیجه‌گیری از گزارش‌های مذکور برای تدوین گزارش کلی قالیبافی در ایران هم اکنون در گروه جامعه‌شناسی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی اداسه دارد.

۱. گزارش‌های مذکور پلی‌کپی شده و برای مقامات مسئول ارسال شده است. نسخه‌هایی از آنها در کتابخانه مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی برای استفاده علاقمندان موجود است.

طرح يك مسئله

آيا در وضع كنونی قالیبافی هنری از نوع صنایع دستی خانگی است یا ، برعكس ، صنعتی است غیرماشینی با ظاهر خانگی ، اما تابع قوانین اقتصاد كالایی و بازار ؟

برای پاسخ گفتن به پرسش فوق بهتر است وضع كنونی قالیبافی را بر اساس گزارشهای گروه جامعه‌شناسی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دربارهٔ صنعت فرش در ایران منبای سنجش و تحلیل قرار دهیم و ببینیم رشد و توسعهٔ صنعت فرش در مناطق مذکور به كجا انجامیده است و صورت سنتی قالیبافی به‌عنوان هنردستی تا چه حد محفوظ مانده و به‌چه مقیاس دگرگون شده و این دگرگونی چه مسائلی را پیش آورده است . كوشش ما این خواهد بود كه با استفاده از ارقام و آمار و تشریح موارد عینی و واقعی ، این فرض را به‌اثبات برسانیم كه قالیبافی كنونی ایران ، با اعتبار اقتصادی و اجتماعی خود در حال حاضر ، دیگر هنر یا فن دستی خانگی نیست كه در اوقات فراغت و در چارچوب مقتضیات خانوادگی انجام گیرد ، بلكه صنعتی است هم متمرکز و هم متفرق و نمودار بارزی است از به كار افتادن سرمایهٔ غیرخانگی در داخل خانه و تبدیل شدن خانه به كارگاه تولیدی وابسته به خارج .

هنر قالیبافی

از لحاظ منشاء تاریخی ، تردیدی نیست كه قالیبافی نخست در میان مردمان گله‌دار و روستایی پیدا شده و رشد کرده است . این هنر ، كه فعالیتی كاملاً خانگی بوده ، هنوز هم برنیفته و كم‌وبیش ، چنانكه خواهیم دید ، به همان صورت رسوم در مناطق روستایی و عشایری مشاهده می‌شود . حتی در شهرها نیز موارد متعددی از اینگونه فعالیت ذوقی و شخصی وجود دارد و خصوصاً خانواده‌های روستایی كه به شهر مهاجرت کرده‌اند و زنان و دخترانشان به فن قالیبافی آشنایی دارند به این كار می‌پردازند . هدف اینگونه فعالیت هنری-خانگی ، گاهی صرفاً ابراز هنرمندی و لیاقت و استعداد شخصی است . مثلاً ، این رسم كه دختران فرش زیرپای خود و همسر آیندهٔ خویش را شخصاً ببافند و به‌عنوان هنردستی با خود به‌خانهٔ شوهر ببرند ، هنوز هم پایدار است . اما بیشتر اوقات هدف هنر قالیبافی خانگی ، تولید كالایی برای مصرف شخصی و یا ، در صورت لزوم ، برای فروش و ایجاد درآمد تكمیلی است .

مواد اولیه‌ای كه در این قسم قالیبافی به كار می‌رود غالباً محصول شخصی است . مثلاً ، بافندگان ایلی و روستایی گله‌دار ، پشم گوسفندان خود را با وسایل دستی می‌ریسند و شخصاً ، یا به كمك همسایگان و آشنایانی كه از رنگرزی سرشته‌دارند ، و با استفاده از رنگهای طبیعی ، رنگ می‌کنند و یا در صورت لزوم ، و خصوصاً در شرایط كنونی ، به رنگرزان ثابت یا سیار محلی یا شهری می‌دهند تا در مقابل دریافت اجرت برایشان رنگ کنند . این اسكان نیز وجود دارد كه پشم یا دیگر مواد اولیه ، كلا یا جزئاً ، به‌صورت آماده و رنگ‌شده از بازار خریداری‌شود .

بافندگان روستایی چون نقشه را از بردارند به نقشه نیازی ندارند ، اما بافنده شهری نقشه قالی را هم از بازار می‌خرد. در هر صورت، سرمایه اولیه از آن خود بافنده است، یعنی سرمایه‌ای است خانوادگی و از خارج نیامده است.

دار بافندگی در زیر چادر یا در هوای آزاد (در مورد ایلات) ، در داخل حیاط یادرجایی از خانه و حتی در گوشه‌ای از اتاقی که به زندگانی روزانه افراد خانوار اختصاص دارد ، برپا می‌شود . بافندگان افراد خود خانوار و عموماً زنان و دختران هستند که در ساعات فراغت به بافندگی می‌پردازند . آهنگ کار آنان ، گذشته از عوامل زمانی و مکانی ، یا فصلی و موسمی ، معمولاً تابع هدفی است که از کار بافندگی دارند : اگر اجبار اقتصادی ، یعنی نیاز خانواده به فروش محصول و ایجاد درآمد فرعی و تکمیلی نسبتاً شدید باشد ، طبعاً با شدت بیشتری کار خواهند کرد . اما ، رویهمرفته ، این قسم قالیبافی تنها سر معاش و یا مهم‌ترین منبع درآمد خانوار نیست . این فعالیتی است فرعی که علاقه و ذوق شخصی ، گذران اوقات فراغت ، یا نیازهای فرعی و گاهگاه ناشی از وقایع زندگانی مانند عروسی ، عید ، مسافرت ، زیارت رفتن و مانند اینها ، در بودن یا نبودن و شدت یا ضعف آن تأثیر بسزا دارد . کارگاه بافندگی را در این قسم قالیبافی باید بخشی از خانه دانست و فعالیتی که در آن انجام می‌گیرد از دیگر فعالیت‌های خانگی (غذا پختن، بچه‌داری، مواظبت از حیوانات خانگی و دوشیدن گاو و گوسفند، یا رفتن به کشتزار و باغ برای کمک به بردان ، و مانند اینها) جدا نیست . اینها همه اموری است که بر محور خانواده می‌چرخد و خانواده از این دیدگاه قسمی واحد فعال اجتماعی است که برای اداره خودش و ادامه حیات و بهتر کردن زندگانش کوشش می‌کند . ابتکار این کوشش از خود خانواده است و همه عناصر تشکیل دهنده آن در این کوشش سهیم هستند . از خصوصیات دیگر این قسم قالیبافی آنست که سرمایه و کار از هم تفکیک‌ناپذیرند و از اینرو ، پس از فروش محصول کار نیز نمی‌توان سهم سود و دستمزد را از هم جدا کرد .

حرفه قالیبافی

قالیبافی به‌عنوان هنر دستی و فعالیت خانگی از روزگاران قدیم در خانواده‌های ایلی ، روستایی و یا شهری رواج داشته است . اما این شیوهٔ مرسوم تحت تأثیر عواملی چند اندک‌اندک تغییر یافته و به صورتی درآمده است که امروزه در بسیاری از مناطق ایران دیگر نمی‌توان از وجود هنر قالیبافی سخن گفت . حتی در روستاها و در بین ایلات و عشایر نیز ، که رسم کهن را محفوظ نگاه داشته‌اند، شدت کار و بالا رفتن میزان تولید ، قالیبافی را از چارچوب خانگی و مقتضیات زندگانی شخصی خارج کرده . و تا حدود زیادی به بازار وابسته کرده است . اینگونه قالیبافی را «حرفه‌ای» می‌نامیم . در قالیبافی حرفه‌ای بافندگان برای خودشان کار نمی‌کنند و مستقیم یا یا نامستقیم مزدور دیگرانند .

از سهمترین عوامل مؤثر در این امر نا کافی بودن رشد امکانات کشاورزی و هماهنگ نبودن آن با رشد جمعیت ، انحطاط کشاورزی و دامداری در برخی از مناطق و از بین رفتن و یا تضعیف منابع اصلی درآمد خانوارهای روستایی بوده است . رونق معاملات قالی پس از سالهای جنگ دوم جهانی و افزایش تقاضای بازار نیز به ایجاد حرفه قالیبافی در شهرها و روستاها کمک بسیار کرده است .

از جنبه های مهم قالیبافی حرفه ای رواج روزافزون آن ، افزایش تولید قالی ، شدت یافتن فعالیت تولیدی و دایمی شدن آنست که حتی در مناطق روستایی و عشایری ، که فعالیت اصلی مردم اصولاً در زمینه های کشاورزی یا دامداری است ، اهمیت بسیار پیدا کرده است .

به عنوان مثال ، در مناطق روستایی باف و ایلی کرمان ، که امروزه نیز رسم قدیم قالیبافی را حفظ کرده اند ، بر رویهم ۷۷۱ پارچه آبادی قالیباف وجود دارد که ۱۴۰ آبادی آن در اطراف شهر بابک ، ۱۴۰ آبادی در اطراف سیرجان ، و ۲۱۲ آبادی در اطراف بافت واقعند . البته برخی از این آبادیها در تمام فصول سال مسکون نیستند و بعضی از آنها محدوداند به سه تا چهار چادر ایلی . اگر ارقام تولید قالی این مناطق در سال ۱۳۴۴ را ، که در جدول I ذکر شده ، با ارقامی مقایسه کنیم که قالیشناس انگلیسی ، سیسیل ادواردز ، برای سالهای پیش از جنگ جهانی دوم (در حدود ۲۰ هزار تخته قالیچه در سال) و یا سال ۱۹۴۸ (در حدود ۶ تا ۷ هزار تخته قالیچه) در کتاب خویش^۱ ذکر می کند ، خواهیم دید که از آن تاریخ تا کنون ، حتی در مناطق روستایی و عشایری کرمان که به شیوه مرسوم قالیبافی می کنند ، میزان تولید تقریباً دو برابر شده است .^۲

جدول I. فعالیت تولیدی منطقه روستایی باف کرمان در سال ۱۳۴۴

منطقه	تعداد دار	میانگین تولید		کل تولید سالیانه	
		سالیانه هر دار	(متر مربع)	مقدار	ارزش
			(متر مربع)	(متر مربع)	(هزار ریال)
سیرجان	۵،۱۱۰	۶/۵	۳۳،۱۹۰	۵۳،۷۷۵	
بافت	۱،۹۷۰	۶/۷	۱۳،۲۴۰	۱۴،۰۱۵	
شهر بابک	۴،۷۶۰	۱۲/۳	۵۹،۰۴۰	۷۳،۴۵۱	
جمع	۱۱،۸۴۰	—	۱۰۵،۴۷۰	۱۴۱،۲۴۱	

این افزایش تولید در تغییر دادن کیفیت قالیها بی تأثیر نبوده و نیز بر اثر آن برخی از سنن قدیمی قالیبافی «هنری - خانگی» این سامان بکلی رو به انحطاط نهاده است . مثلاً ، دیگر از

۱. Cecil Edwards, *Persian Carpets, London, 1960, PP. 214.*

۲. ر. ک. جزوه سوم «گزارشهای بررسی صنعت فرش در ایران»، مؤسسه مطالعات و تحقیقات

اجتماعی، گروه جامعه شناسی ، ۱۳۴۶ .

رنگهای طبیعی قدیم در قالبهای روستایی و خصوصاً عشایری کرمان (افشار) تقریباً اثری نیست. در جوشقانقالی - منطقه ای در کوهستانهای جنوب غربی کاشان - از روزگاران قدیم قسمی قالی نوع روستایی با شهرت جهانی بافته می شده است. امروزه کثرت قالبیافی در خود جوشقانقالی و در روستاهای تابع آن به حدی است که دیگر نمی توان از وجود هنر خانگی قالبیافی در آن سامان سخن گفت. به جرأت می توان گفت که قالبیافی کاسلا جانشین فعالیتهای اصلی روستاییان شده و سمر معاش مردم است. کمتر خانواده ای در جوشقان و روستاهای تابع آن می توان یافت که در آن قالبیاف نباشد و یازنان و دخترانش در کارگاهی به این حرفه مشغول نباشند. میزان تولید این منطقه در سال ۱۳۴۴ به شرح زیر بوده است.

جدول II. فعالیت قالبیافی در منطقه جوشقانقالی در سال ۱۳۴۴

نام منطقه	تعداد دار قالی	متوسط تولید	کل تولید
		سالیانه هر دار	سالیانه منطقه
		(ذرع مربع)	(ذرع مربع)
جوشقانقالی	۷۰۰	۳۶	۲۵۶۲۰۰
سایر دهات جوشقان	۷۱۷	۴۲	۳۰۴۱۱۴
جمع	۱۴۱۷	—	۵۶۰۳۱۴

پای هر یک از دارهای بافندگی جوشقان ۳ تا ۶ نفر کاری کنند. رجسارهای متداول در منطقه جوشقان به ترتیب اهمیت عبارتند از ۱۰، ۱۵، ۲۰ و ۳۰ رگ در گره. متداولترین قطعههای قالی در جوشقان قطع ۳ × ۲ ذرع است اما قالبیهای بزرگ ۳/۵ × ۲/۵ و ۳ × ۲ یا بیشتر هم بافته می شود. سه بافنده جوشقانی یک قالی ۳ × ۲ ذرع سی رگ در گره را در ۴ ماه، همان قالی را با ظرافت ۲۵ رگ در گره در ۳ ماه و با ظرافت ۲ رگ در گره در ۴ روز می بافند. با توجه به این جزئیات و با توجه به ارقام تولید سالیانه هر دار در مناطق جوشقان-قالی به این نتیجه می رسیم که در تمام ایام سال فعالیت بافندگی ادامه دارد، یعنی قالبیافی کاری است مستمر نه از سرفراغت و موسمی. بافندگان جوشقان حتی در روزهای کوتاه زمستان در نور چراغ نفتی به فعالیت ادامه می دهند و برخی از بافندگان شبها نیز به کار مشغولند.

بافندگی، که از قدیم کار زنان و دختران بوده، اینک حرفه مردان نیز شده است بطوریکه در سال ۱۳۴۴ بیست و شش درصد بافندگان منطقه جوشقان مرد بوده اند. سرمایه بافندگی از آن بافنده نیست و خود او مزدور است یعنی یا مستقیماً با دریافت دستمزد برای کارفرما کاری کند و یا مواد اولیه را نسبه و با پرداخت بهره و برای مدت معین از مغازه دار یا بنکدار محلی می گیرد. خامه رنگ شده را بنکدار یا کارفرمای محلی به بافنده می دهد و بنکدار محلی نیز، که غالباً

واسطه‌ای بیش نیست ، برای تاجر کاشانی کاری کند و حق‌العمل می‌گیرد . در اینجا نیز حرفه‌ای شدن قالبیابی به انحطاط آن کمک کرده است . قالبهای کنونی جوشقان از لحاظ بافت و ظرافت و رنگ و نقشه بهیچوجه با قالبهای ۲-۳ سال پیش یا نیم قرن پیش ، که نمونه‌هایی از آنها در خود جوشقان و در خانواده‌های معتبر آنجا پیدا می‌شود، قابل مقایسه نیست و انحطاط آنها کاملاً چشمگیر است .

در آذربایجان نیز با همین توسعه شدید و اهمیت یافتن روزافزون قالبیابی در زندگانی خانوارهای روستایی روبه‌رو هستیم . شرح فعالیت تولیدی مناطقی از آذربایجان که هنوز هم به شیوه قدیم قالبی می‌بافند و کاملاً تحت نفوذ شهر قرار نگرفته‌اند ، در سال ۱۳۴۴ به قرار زیر بوده است :

جدول III. فعالیت قالبیابی مناطق روستایی آذربایجان در سال ۱۳۴۴

نام منطقه	تعداد نقاط قالبیاب	تعداد دار فعال	رجشمار متداول	تولید متوسط سالیانه هر دار (متر مربع)	تولید کل (متر مربع)
هریس و مشابه دیگر مناطق	۱۲۳	۱۱،۳۷۰	۲۵-۱۸	۱۶/۵	۱۸۸،۳۷۵
روستایی باف	۸۷۰	۱۰،۶۷۰	۲۲-۱۶	تقریباً ۶	۶۲،۷۳۵

پیدا است که هریس و مناطق مشابه آن (مانند اهر و حومه ، آلان برآغوش ، یخشایش و شریبان) از شیوه روستایی و مرسوم دور و به شیوه شهری نزدیکتر می‌شوند و قالبیابی در این منطقه تقریباً به صورت حرفه درمی‌آید . مردان نیز ، هرچندان که (۵/۴ درصد کل بافندگان) ، به کار قالبیابی می‌پردازند و دستگاههای قالبیابی ده ماه از سال به کار گرفته می‌شوند .

در شهرستان همدان ، در سال ۱۳۴۴ ، ۵۰۱ نقطه قالبیابی نوع روستایی وجود داشته است با ۱۵،۰۰۰ دستگاه فعال بافندگی . این دارها در همان سال ۱۹۱،۰۰۰ مترمربع قالبی تولید کرده‌اند . برای آنکه معلوم شود قالبیابی در مناطق روستایی همدان اندک اندک تبدیل به حرفه می‌شود ، بهتر است به وضع موجود قالبیابی در برخی از نقاط مشهور همدان ، که هر یک از آنها نماینده یکی از حوزه‌ها و مناطق روستایی باف این شهرستان هستند ، به اختصار اشاره شود . این اطلاعات در جدول IV خلاصه شده است .

۱. ر. ک. جزوه دوم «گزارش قالبی»، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، مهرماه ۱۳۴۶ .

جدول IV. مشخصات برخی از مناطق معروف قالیبافی نوع روستایی همدان

نسبت انواع تولید قالی	تعداد دار		جمعیت روستا (۱۳۳۵)		نام منطقه قالیبافی	نام روستا	
	به حساب خود	شراکت	مزد بگیری	فعال (۱۲۴۴)			مرد
—	—	—	تماماً	۴۰۰	۱۵۴۷	۱۸۴۷	فامنین
یکدم	—	—	نه دهم	۲۵۰	۵۴۳	۵۴۵	خوروزنه
دو سوم	—	—	یک سوم	۱۵۰	۵۵۱	۶۴۹	قایش
دو ششم	یک ششم	—	سه ششم	۳۰۰	۲۴۰۶	۲۴۳۶	کیوتراهدنگ
نصف	—	—	نصف	۱۰۰	۵۱۶	۴۸۴	ببوک آباد
»	—	—	»	۳۰۰	۷۹۱	۹۰۸	چنار شیخ
یک سوم	—	—	دو سوم	۱۰۰	۳۹۶	۴۰۹	گنج تپه
سه چهارم	—	—	یک چهارم	۱۲۵	۵۹۷	۵۶۳	انجلاس

از اختصاصات قالبیابی نوع روستایی همدان، مانند دیگر نقاط روستایی باف، یکی آنست که مردان به کار قالبیابی نمی‌پردازند. دیگر آنکه، پای‌هردار ۲ تا ۳ نفر بافنده‌کاری می‌کنند. باین مقدمات، از جدول پیداست که صنعت قالبیابی در نقاط روستایی مذکور، در بعضی موارد، در حدود ۵۰ درصد و در موارد دیگر در حدود صددرصد زنان و دختران روستاها را به کار می‌گیرد. قالبیابی در روستاهای مذکور موسمی نیست و در بعضی نقاط، مثلاً، در بیوک آباد، از منطقه‌ی شِراء بافندگان روزانه ده ساعت و در مواقع لزوم شبها نیز به کار مشغولند. شیوه‌ی کار مزدوری رواج روزافزون پیدا کرده است، چنانکه در روستاهای فامنین همه بافندگان مزدور دیگراند. این روستا در قالبیابی شهرتی کهن دارد و برخی از قالبیهای قدیمی بسیار مشهور موزه‌ها و مجموعه‌های معروف جهان، مانند موزه فیلا دلفیا و مجموعه‌های ویلیامز، مک ایلمی و لم، متناسب به همین روستا هستند. ^۱ در خورونده، از منطقه سردرود، ^۹ قالبیها به شیوه‌ی مزدوری بافته می‌شود. نکته اینجاست که دیگر شیوه‌های تولید مانند به حساب خود (تهیه سواد اولیه به نسیه از بنکدار محلی و تسویه حساب پس از فروش قالی) و شراکت نیز از انواع غیر مستقیم به کار افتادن سرمایه غیر خانگی در کارگاه خانگی هستند. یعنی اینگونه بافندگان نیز، در واقع، بافندگان مزدور محسوب می‌شوند. بنابراین، به خوبی پیداست که حتی در مناطق روستایی باف همدان، قالبیابی نوعی حرفه به معنای کاربازو در خدمت سرمایه است و نه فعالیت خانوادگی و شخصی یادوقی و هنری. باینهمه، قالبیابی به عنوان هنری خانگی در مناطق روستایی همدان هنوز باقی است، زیرا سردمان این مناطق گله‌دار هستند و از پشم گوسفندان خود برای قالبیابی استفاده می‌کنند. اما نیاز اقتصادی روستاییان و رونق بازاریابی، خصوصاً قالبیهای منطقه همدان که بیشتر باب صادرات هستند و در خارج خریداران فراوان دارند، سبب شده است که فن قالبیابی به عنوان حرفه نه تنها در مناطق شهری، بلکه در حوزه‌های روستایی نیز رواج یابد. شدت رواج این حرفه در پاره‌ای از مناطق روستایی ایران، مانند روستاهای مناطق اطراف کویر (کاشان، یزد، اردستان، کرمان و...) به حدی است که باید در تعریف روستا تجدید نظر کرد. بنابراین شرایط کنونی «روستا» دیگر جایی نیست که معیشت سردمانش الزاماً بر کشاورزی مبتنی باشد.

قالبیابی حرفه‌ای

باتوجه به آنچه تا کنون درباره‌ی مناطق متفاوت قالبیابی گفته شد، می‌توان مشخصات قالبیابی حرفه‌ای را به شرح زیر تعیین کرد:

۱. بافندگان استقلال اقتصادی ندارند، یعنی سرمایه از خود آنان نیست.
۲. فعالیت بافندگی فصلی و موسمی نیست و در تمام سال انجام می‌گیرد.
۳. تخصص و تقسیم کار در قالبیابی وجود دارد، به این معنا که برخلاف سابق و گذشته‌های

۱. ر. ک. ادواردز، همان کتاب، ص ۹۲.

دور یا مانند سواردی که قالبیابی هنری خانگی محسوب می‌شود، همه کارها، از جمله بشمریسی، نخریسی، رنگریزی، نصب یا آماده کردن دارقالی، و بافندگی، در خانه بافنده و توسط خود او یا افراد خانواده‌اش و یا در چارجوب سنت محدود محلی انجام نمی‌گیرد، بلکه پشم‌ونخ از شهر، وغالباً به صورت آماده، وارد می‌شود و چله‌کش یا چله‌دوان چله‌ها (تارها) را بردار قالی سوار می‌کند و برای این کار سزد می‌گیرد.^۱ ورتابی، چله‌کش، رنگریزی، نقشه‌کشی، پرداخت، دستگاه‌بندی و مانند اینها انواع برجسته تقسیم کار در قالبیابی اسروزی، به شمار می‌روند.^۲

۴. قسمی تمرکز، هرچند پراکنده، در کارتولید و توزیع قالی مشاهده می‌شود و حتی سوازی فنی قالبیابی را نیز در برمی‌گیرد، یعنی شیوه‌های خاص بافندگی و نقشه‌های معین و فنون خاص (مثلاً، نوع گره، طرز ریشه‌زدن بادیست یا باقلاب، دارایستاده یا خوابیده، بافت یک پودی یا دوپودی و بیشتر، و مانند اینها) در حال عمومیت یافتن است، و ویژگی‌های فردی و محلی و تنوع هنری جای خود را به یکنواختیها و همشکلیهای تجارت پستدانه می‌دهد.

۵. زمان در قالبیابی عامل مهمی است، و سرعت در کار و به پایان رسانیدن آن در موعد معین، خصوصاً در شیوه تولید متفرق در کارگاه‌های خانگی، از نظر کارفرما اهمیتی به سزادارد و بر سر بافندگان تندباف و پرکار رقابت‌های سخت درمی‌گیرد، چنانکه دستمزد تحت تأثیر این رقابت‌ها واقع می‌شود (مثلاً، در کاشان، در مناطقی مانند راوند). از ترکیب محصول کار و زمان شیوه‌های خاص پرداخت دستمزد مانند مقاطعه (همدان و نواحی مرکزی)، قابل (۱۵۰۰۰) ریشه، در آذربایجان، مقاط (۲۰۰۰۰ ریشه، در خراسان)، ذرع (۴۰۰۰ رگ در گره (کاشان))، و مانند اینها متداول شده است. البته رواج این شیوه‌های متفاوت پرداخت دستمزد به علت تناسب آنها با منطق فنی قالبیابی یا سهولت محاسبه است، اما قسمی سازش دادن منافع «سرمایه» با شرایط کارگاه و کارگر خانگی نیز در آنها نهفته است.

۶. قالبیابی، به رغم طبیعت اولیه‌اش، ماهیتی شهری پیدا کرده و زیر نفوذ سلطه نظام تولیدی شهر و قوانین بازار شهر درآمد است، بطوریکه می‌توان روستاها را در حکم کارگاه‌های تولیدی شهر دانست. این گسترش دامنه فعالیت تولیدی شهر در روستا به حدی است که در بسیاری از موارد، رشد قالبیابی در داخل شهر بارش آن در داخل روستاها بهیچوجه قابل مقایسه نیست و حتی در بعضی از شهرها می‌توان کاهش فعالیت تولیدی را در داخل شهر مشاهده کرد. شهر کرمان در ابتدای قرن بیستم (۱۹۰۰) دارقالی داشته است. در سال ۱۳۴۴، یعنی دست کم نیم قرن پس از آن تاریخ، تعداد دستگاه‌های فعال شهرستان کرمان (شامل شهر کرمان و روستاها) ۷۵۹۰ دار بوده که ۱۴۱۰۰ دار آن در شهر و ۶۴۹۰ دستگاه دیگر در روستاها نصب

۱. در مواردی که یک کارفرمای شهری دارهای فراوان در روستا دارد چله‌کش مخصوص خود را برای سوار کردن چله‌ها بردار به روستا می‌فرستد.

۲. ر. ک. به جزوه اول «گزارش‌های بررسی صنعت فرش در ایران»، گروه جامعه‌شناسی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، فروردین ۱۳۴۵.

بوده است . به عبارت دیگر، در مدت نیم قرن برداشته فعالیت در داخل شهر چیزی افزوده نشده اما نفوذ قالیبافی در روستاها بسیار شدید بوده است .^۱

در منطقه کاشان (شامل مناطق کاشان، نطنز، و سیمه) ، در سال ۱۳۴۴ ، جمعاً در حدود ۲۸،۰۰۰ دارقالی وجود داشته که فقط ۲۰۰ دار آن در داخل شهر کاشان برپا بوده است . ادواردز، قالیشناس انگلیسی ، در کتاب خویش جدولی از فعالیت قالیبافی شهر کاشان در سال های ۱۲۶۹ تا ۱۳۲۸ شمسی نقل کرده است . با توجه به ارقام وی ، به خوبی پیداست که فعالیت قالیبافی در شهر کاشان به مراتب بیشتر از امروز بوده است . وضع کنونی در منطقه کاشان نمودار بارزی است از کاهش قالیبافی در شهر و تمرکز آن در روستاها .^۲

در منطقه همدان نیز با همین پدیده روبرو هستیم . در سال ۱۳۴۴ ، در شهر همدان ۱،۲۵۰ دار ، در شهر بهار ۴۵۰ دار و در مناطق روستایی همدان جمعاً ۱۵،۲۸۰ دارقالی وجود داشته است . تعداد دارهای شهر همدان را در سال ۱۹۴۸ ، یعنی تقریباً بیست سال پیش از تاریخ بالا ، در حدود ۱۰۰۰ دار ذکر کرده اند .^۳ پیداست که رشد قالیبافی در شهر همدان در طی سالیان نسبتاً دراز چندان نبوده است .

در آذربایجان وضعی خاص حکمفرماست . به این معنا که در مناطقی از آذربایجان که قالیبافی در آنها به عنوان یک حرفه رواج کامل دارد ، از لحاظ تمرکز فعالیت در شهرها یا در روستاها تفاوت بارزی به چشم نمی خورد . شاید یکی از دلایل مهم این وضع وجود نیروی انسانی کافی در شهرها باشد ، خصوصاً که می بینیم قالیبافی به صورت فعالیت تولیدی متمرکز و کارخانه وار در شهرهای آذربایجان بیش از همه جا توسعه یافته است .

اهمیت قالیبافی حرفه ای نوع شهری در وضع کنونی قالیبافی ایران وقتی بارزتر می شود که نه تنها به تعداد دارها در مناطق شهر و روستا بلکه به میزان تولید و ارزش تولید نیز توجه کنیم . در جدول ۷ ارقام تولید نوع شهری و نوع روستایی مناطق کرمان، کاشان، همدان ، و آذربایجان در سال ۱۳۴۴ ذکر شده است .

از جدول مذکور پیداست که در مناطق مهم قالیبافی ایران بیش از ۸۰ درصد تولید در حدود ۹۰ درصد ارزش آن از نوع تولید شهری یا حرفه ای است .

مقایسه نیروی انسانی شاغل در قالیبافی حرفه ای و قالیبافی غیر حرفه ای خانگی نیز همین نکته را تأیید می کند . برای این کار تنها به مقایسه ارقام بافندگان اکتفا می کنیم . در جدول VI بافندگان نوع شهری و نوع روستایی و ایلی مناطق مهم قالیبافی ایران نشان داده شده است . از

۱ . ر . ک . جزوه سوم «گزارشهای بررسی صنعت فرش در ایران» ، سال ۱۳۴۶ .

۲ . ر . ک . جزوه اول «گزارشهای بررسی صنعت فرش در ایران» ، ۱۳۴۵ ، ص ۳ .

۳ . ر . ک . جزوه دوم «گزارشهای بررسی صنعت فرش در ایران» ، ۱۳۴۶ ، ص ۷ .

جدول ۷. اهمیت انواع قالی بافی (حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای) در بعضی از مناطق
 مهم قالیباف ایران ، سال ۱۳۴۴

تولید قالی							مناطق
جمع		روستایی و ایلی (غیرحرفه‌ای)		شهری (حرفه‌ای)		مقدار (مترمربع)	
ارزش (هزارریال)	مقدار (مترمربع)	ارزش (هزارریال)	مقدار (مترمربع)	ارزش (هزارریال)	مقدار (مترمربع)		جمع
۲,۳۱۸,۹۲۵	۱,۱۳۷,۶۸۰	۷۰,۲۳۵	۶۲,۷۳۵	۹,۲۴۸,۶۹۰	۱,۰۷۴,۹۴۵	آذربایجان	
۳۴۳,۳۴۵	۳۳۷,۵۰۰	*۲۳۶,۵۳۶	*۱۹۱,۰۰۰	۱,۰۶,۸۰۹	۴۶,۵۰۰	شهرستان همدان	
۱,۶۵۵,۵۵۰	۵۳۹,۳۰۰	*۱۷۴,۰۰۰	*۱۱۶,۰۰۰	۱,۴۸۱,۵۵۰	۴۲۳,۳۰۰	« کاشان و نظیر و میمه »	
۸۹۱,۴۷۷	۳۹۶,۰۰۰	۱۴۱,۲۴۱	۱۰۵,۴۷۰	۷۵۰,۲۳۶	۲۹۰,۵۳۰	« کرمان	
۵,۲۰۹,۲۹۷	۲,۳۱۰,۴۸۰	۶۲۲,۰۱۲	۴۷۵,۲۰۵	۴,۵۸۷,۲۸۵	۱,۸۳۵,۲۷۵	جمع	

مأخذ : گزارشهای منتشر شده «بورسی صنعت فرش در ایران» ، جزوه چهارم ، منطقه قالیبافی آذربایجان (در دست انتشار) و جداول کلی قالیبافی ایران (منتشر نشده) ، از بررسیهای «گروه جامعه شناسی» مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی .

*در حدود ۳- این تولید را باید جزو تولید حرفه‌ای به حساب آورد.

جدول VI. نیروی انسانی قابلین در بعضی از مناطق مهم ذالیف ایران ، سال ۱۳۴۴

نسبت باوندگان حرفه‌ای به کل بافندگان	تعداد بافندگان				مناطق	
	جمع		نوع روستائی (غیر حرفه‌ای)			
	مرد	زن	مرد	زن		
۰/۰۸۱	۱۷۹،۱۰۰	—	۷۴،۹۰۰	۵۲،۵۰۰	۵۲،۷۰۰	آذربایجان
۰/۰۱۴	۳۹،۵۰۰	—	۳۳،۹۰۰	۱۴،۴۰۰	۴،۳۰۰	شهرستان همدان
۰/۰۸۸	۸۰،۵۸۰	۱۴۹۵	۹،۱۱۵	۱۲،۴۹۵	۵۷،۴۷۵	شهرستان کاشان و نظیر
۰/۰۵۵	۵۹،۲۹۰	۵۰	۷۶،۸۷۰	۱۶،۱۴۰	۱۶،۲۳۰	شهرستان کرمان
۰/۰۶۹	۳۰۸،۴۷۰	۱،۵۴۵	۹۴،۷۸۵	۸۲،۵۳۵	۱۲۹،۹۰۵	جمع

مناطق : بر رسی صنعت فرش در ایران گروه جامعه شناسی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
 بخش مهمی از این عده (در حدود $\frac{2}{3}$) را باید بافنده حرفه‌ای دانست.

جدول مذکور پیداست که ۶۹ درصد کل بافندگان مناطق مهم قالیباف ایران بافندگان حرفه‌ای هستند. اگر توجه داشته باشیم که در بسیاری از مناطق روستایی ایران، مانند روستاهای همدان و بیمه و جوشقان، که قالیبافی آنها از لحاظ بافت و نقشه و دیگر خصوصیات فنی بافندگی جزو نوع روستایی به حساب آمده، اکثر بافندگان، مستقیم یا ناستقیم، مزدور هستند و برای سرمایه‌های غیر خانگی کاری کنند، به این نتیجه خواهیم رسید که نسبت بافندگان حرفه‌ای و مزدور بسیار بیش از حد ۶۹ درصد است و، در حقیقت، اکثریت مطلق بافندگان را در برمی‌گیرد. این عده که اکثراً از سردمان روستاها هستند، کسانی هستند که در کارگاه‌های متمرکز یا متفرق خانگی به صورت روزمزد برای دیگران قالی می‌بافند.

نتیجه

از شواهد فوق این نتیجه گرفته می‌شود که قالیبافی حرفه‌ای جریانی است که از شهر سرچشمه گرفته و روستاها را زیر سلطه خود کشیده است. رابطه‌ای که از این حیث میان شهر و روستا وجود دارد البته نه در جهان بی‌سابقه است و نه در تاریخ ایران، سنتها در سالهای اخیر سرمایه‌گذاری در قالیبافی شدت بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. سرمایه‌های شهری، در جست وجوی نیروی انسانی ارزان قیمت، به روستاها روی آورده‌اند. وجود شاغل متعدد در شهرها، تعمیم روزافزون آموزش ابتدایی و رفتن دختران به مدرسه، وجود قوانین کار و امکان دخالت و نظارت دستگاه‌های کشوری در کارگاه‌های شهری برای اعمال و اجرای آنها، از یکسو؛ خشک سالیهای پیاپی در بسیاری از مناطق ایران، خصوصاً در نواحی پیرامون کویر، از دست رفتن یا کم شدن منابع درآمد خانواده‌های روستایی همراه با افزایش جمعیت، و وجود نیروی انسانی بالفعل یا بالقوه قالیبافی در روستاها، از سوی دیگر، به نفوذ حرفه قالیبافی در روستا بسیار کمک کرده است. در شهرهای بعضی از مناطق (مانند آذربایجان) نیز شرایط مناسب، خصوصاً نیروی انسانی کافی، وجود داشته، از اینرو، توسعه قالیبافی همراه با نفوذ روزافزون درده، در شهر نیز به صورت ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌های متمرکز عملی شده است.

چنانکه قبلاً نیز گفته شد، حتی سوازیب فنی قالیبافی تحت تأثیر حرفه‌ای شدن آن دگرگونیهای عمیق یافته‌اند و شیوه‌های برخاسته از شهر (قطع‌های بزرگ، نقشه‌های شهری، و بافندگی از روی نقشه مدرن کاغذی، بافت دوپودی، و مانند اینها) که وجه تمیز نوع قالیبافی شهری از روستایی است^۱ در حال گسترش است^۲ به نحوی که می‌توان تقسیم‌بندی قالیبافی به دوتنوع هنری-خانگی و حرفه‌ای را با تقسیم‌بندی آن به دو نوع روستایی-ایلی و شهری با هم یکی دانست. این تقسیمات در بسیاری از مناطق ایران کاملاً روشن است و می‌توان حدود جغرافیایی

۱. ر. ک. جزوه دوم «گزارشهای بررسی صنعت فرش در ایران ۱۳۴۶»، صفحات ۴ تا ۶.

۲. در سال ۱۳۴۴ حوزه قمصرکاشان قالیچه باف بود. اینکه به نظر میرسد که در اکثر کارگاه‌های

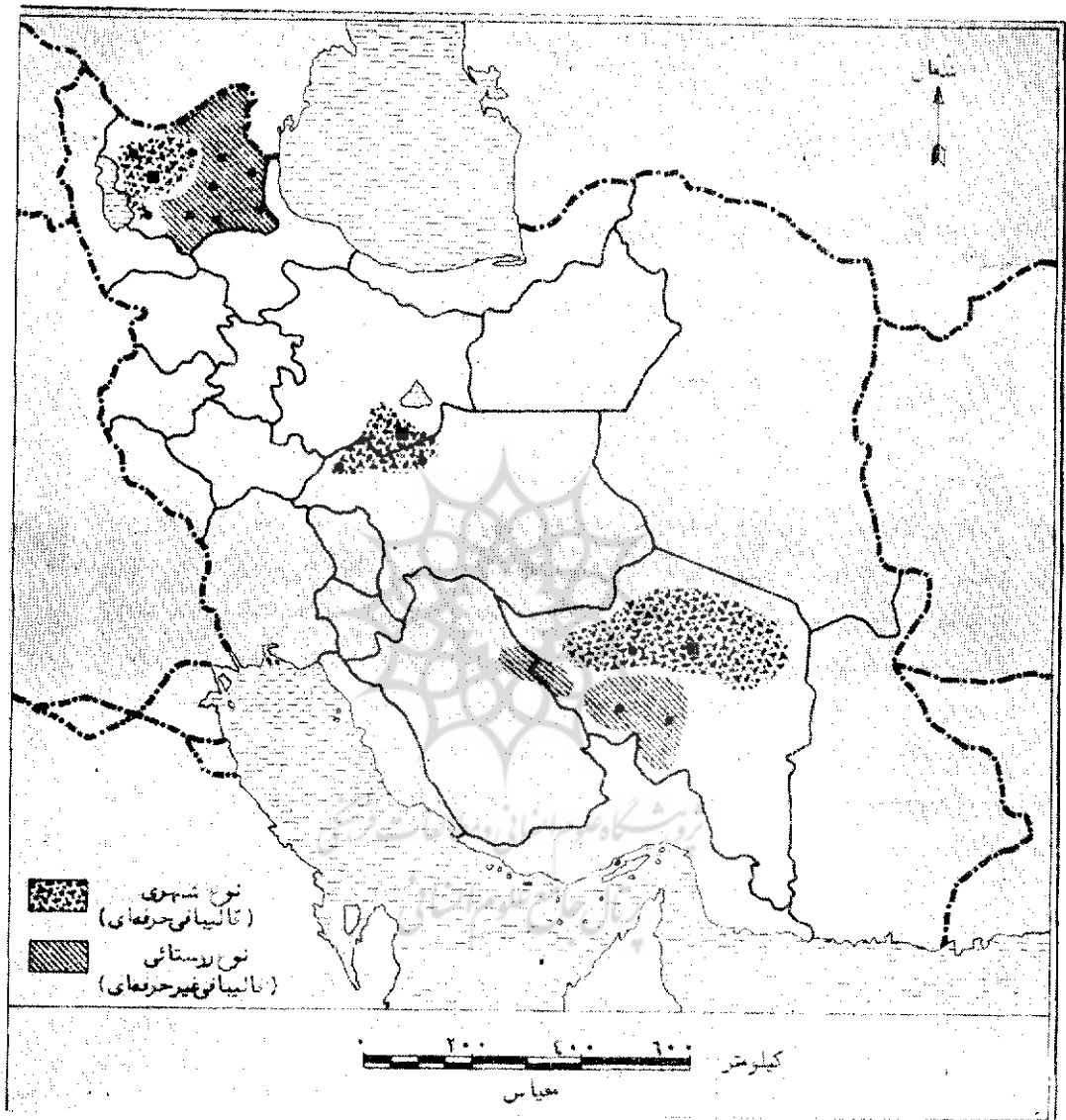
خانگی این حوزه قالی به قطه‌های بزرگ بافته می‌شود.

آنها را مشخص کرد، مانند مناطق آذربایجان، کاشان و کرمان. در بعضی از مناطق دیگر تقسیمات مذکورگاهی از هم متمایزند، مثلاً در شهر همدان و شهر بهار قالبیابی حرفه‌ای از نوع شهری رواج دارد، اما در مناطق روستایی همدان، موازین فنی قالبیابی (نقشه، بافت و مانند اینها) به شیوه روستایی مرسوم است و ماهیت اقتصادی آن شهری، یعنی حرفه‌ای است و آمیختگی چنانست که تفکیک دو نوع از لحاظ جغرافیایی دشوار می‌نماید.

بررسیهای ما در این مقاله به چند منطقه محدود بود، اما شواهد و ارقام موجود درباره مناطق دیگر (اصفهان، نایین، یزد، بیجار، خراسان، و...) ثابت می‌کند که گرایش کلی همانست که در سطور گذشته نشان دادیم؛ یعنی آن تصور ایدآلی و زیبا پسندانه که معمولاً از قالبیابی در اذهان مردم وجود دارد، و گاه گاه با مینیاتورهای عالی و فیلمهای مستند نیز تقویت می‌شود، دیگر مبنای خود را از دست داده است. دیگر پنجه‌های طلایی دختران در کار آفرینش دلخواسته هنری نیست و اگر هم هنوز قالبی یا قالبچه‌ای با ارزش هنری بی‌همتا بافته شود (که بی‌تردید بافته می‌شود) پشت بافنده‌اش در زیر ضربات شلاق اجبار اقتصادی است و دست‌ها و پنجه‌ها از شدت گره‌زدنهای دایمی بر تارهای قالبی در شرایطی ناساعد و از روی اضطرار، نه تنها طلایی نیست، بلکه شکل انسانی خود را هم از دست داده است. قالبیابی، مجموعاً، صنعتی است با مدیریت متمرکزی با سازمان متفرق. در یک سوی این فعالیت، سرمایه است و در سوی دیگر آن بازوی کار و قوانین بازار سرمایه حاکم بر همه آنها. روستا کارگاه تولیدی شهر، و خانواده واحد یا کارگاه تولیدی برای سرمایه خارج از خانواده است.

اگر به صنعت قالبیابی از این دیدگاه نگاه کنیم، به منشاء بسیاری از انحطاطهای فنی و مسائل و مشکلات انسانی و اجتماعی آن پی خواهیم برد و به این نتیجه خواهیم رسید که راه حل‌های جزئی و محدود چندان تأثیری در رفع مشکلات آن نخواهد داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه مناطق قالببافی نوع شهری و نوع روستایی در ایران